صدای مشاور
ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

کبوترپرانی مصداق بارز مزاحمت است

فرزانه عمادی| پشت بام نیز همانند دیگر مشاعات ساختمان دارای قوانینی است که باید سکنه آن را رعایت کنند و هیچ کس حق ندارد در استفاده از فضای بام موجبات آزار و اذیت بقیه ساکنان را فراهم کند.

استفاده از پشت‌بام برای نگهداری حیوانات خانگی، قانونی نیست و در حکم تصرف فضای عمومی می‌باشد و قوانین ساختمان این اجازه را به افراد ساختمان نمی‌دهد. نگهداری پرندگان در پشت‌بام و همچنین استفاده از وسایل نگهداری از آن‌ها نظیر احداث قفس و یا انباری برای نگهداری آن‌ها قابل پیگیری می‌باشد و چنانچه به کف پشت بام آسیب برسد، در این صورت شخصی که باعث ایجاد این آسیب شده خسارت وارده را باید بپردازد. بسیاری از افراد به دلیل نگهداری پرندگان در پشت بام از ورود دیگر همسایگان به پشت بام ممانعت می‌کنند که در این صورت می‌توان از آن شخص شکایت کیفری کرد و وی را به اتهام ممانعت از ورود به پشت بام محکوم کرد. همچنین کبوترپرانی از جمله مواردی است که می‌تواند مصداق ایجاد مزاحمت تلقی شود و طبق قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار برای مرتکب به ایجاد مزاحمت، مجازات حبس تا یک سال و رفع موارد مزاحمت را در نظر گرفته است. همچنین، درباره کبوترپرانی موضوع ورود به عنف نیز مطرح می‌شود و در مراجعات مردمی، اعلام می‌شود که کبوترپرانان بدون اجازه به حریم منزل و پشت بام همسایه‌ها وارد می‌شوند یا کبوترها و وسایل مورد استفاده کبوترپرانان در منازل اطراف می‌افتد و آن‌ها بدون اجازه به حریم منازل وارد می‌شوند که این کار نیز مصداق جرم و مستوجب مجازات است. همچنین قراردادن هر شیء در پشت بام که سبب آسیب رساندن به کف پشت بام شود، مشمول پرداخت هزینه تعمیرات از سوی شخص آسیب زننده است.

داستان پلیسی

پریشانی (قسمت اول)

ایلیا موسایی| صدای مرتضی پشت گوشی با همیشه فرق داشت. نفس نفس می‌زد. کلماتش بریده بود و حتی وسط حرف‌هایش گریه کرد. گفت «نمی‌دونم چیکار کنم...» گفتم «خونسرد باش... برو یه لیوان آب بخور من پشت خط می‌مونم» صدای گذاشتن گوشی روی میز یا نمی‌دانم کجا آمد و بعد تا چند دقیقه فقط خش خش می‌شنیدم. صدای شکستن چیزی هم آمد که به گمانم لیوان از دستش افتاد. زیادی طولش داد. گفت «الو... هنوز هستی؟» گفتم «آره... بگو چی شده؟» گفت «تو مهمونی بودی مزاحمت شدم... شرمنده» گفتم «مرتضی گور بابای مهمونی... تو برام مهم‌تری... بگو چی شده. نگرانم کردی» گفت «نمی‌خواستم مزاحمت بشم. همه‌اش برات دردسر دارم» گفتم «چه حرفیه... رفاقت همینه دیگه» و آرام و بی‌صدا هوف کشیدم. گفت «می‌خواستم بگم اگر می‌تونی بیای اینجا ولی نمی‌خوام مزاحمت بشم به مهمونی‌ات برس» بیب... بیب... بیب... به صفحه گوشی نگاه کردم. قطع کرده بود. شماره‌اش را گرفتم. زود برداشت «الو..» گفتم «مرتضی! چرا قطع می‌کنی دیوانه... بگو ببینم چی شده؟... من تو را هم دارم‌میام پیشت» به حالت گریه مویه کرد «مرتضی!» با فخ فخ بلندی دماغش را بالا کشید «به خدا همه‌اش برات دردسر دارم» گفتم «بسه مرتضی. یه مهمونی چیه که این قدر حرفشو می‌زنی» گفت «یه جسد اینجاست» یک لحظه مغزم خط خطی شد. گفتم «چی؟» گفت «یه جسد... یه مُرده اینجاست... به خدا نمی‌خواستم بهت زنگ بزنم اما نمی‌دونستم چیکار کنم» گفتم «مرده کجا بود که سر از خونه تو در بیاره؟!» دوباره ناله کرد. گفت «حالم... خوب نیست...» گفتم «مرتضی! به من گوش بده ببینم. برو یه لیوان آب سرد بخور من پشت خط می‌مونم» گفت «لیوان شکست...» دوباره صدای ناله‌ای شبیه مویه گربه‌ها بلند شد. گفت «پام برید... به خدا نباید بهت زنگ می‌زدم» گفتم «مرتضی بس کن... من نزدیکم... تو برو یه کم دراز بکش. من تا چند دقیقه دیگه می‌رسم... باهم حلش می‌کنیم... نهایتا زنگ می‌زنیم پلیس که معلوم بشه...» داد زد «نه پلیس نه... چی می‌گی برا خودت... اصلا نمی‌خوا بیای» قطع شد. خیابان آن موقع شب خلوت بود. زمین خیس بود و حالا دیگر باران نمی‌آمد. روی شیشه ماشین قطره‌های کوچک را می‌دیدم که در نور چراغ‌ها نقره‌ای می‌شدند و می‌درخشیدند. ماه یک‌قاچ نصفه سفید بود که حاشیه ابرهای سیاه شب را برق می‌انداخت و سربی می‌کرد. یک‌ماه پیش مرتضی زنگ زده بود که بروم کمکش. توی یکی از شرکت‌ها پول پروژه‌اش را خورده بودند و آنجا عصبی شده بود. بانگهبانی درگیر شده بود. من که رسیدم دیدم زده‌اند توی صورتش. با یک دستمال صورتش را پوشانده بود و نشسته بود روی جدول. گفت «زورم نرسید بهشون» گفتم «این روز زیاد شده... این شرکتا با خیلیا خوب تا نمی‌کنن... تو که سواد داری چرا قرارداد درست و حسابی نبستی با هاشون؟» قرارداد بسته بود. گفتم «آخه عقل کل خب شکایت کن... برای چی اومدی دعوا؟» کلی صحبت کردم تا راضی شد برسانمش خانه. همان شب زنگ زده بود که اگر پای کار هستم برویم بنزین بریزیم و نگهبانی را آتش بزنیم. باز مجبور شدم تا ساعت دو شب چک و چانه بزنم تا از خر شیطان پیاده شود... حالا هم فکرم هزاران خیال را به خودش راه داده بود و نمی‌دانستم چه گندی زده. بوی شمشادهای خیس توی هوا بود و همراه خنکای مطبوع فصل از شیشه‌های ماشین می‌لغزید تو و شانه‌هایم را مورمور می‌کرد. توی محوطه روبه‌روی مجتمع پارک کردم و توی سکوت شب صدای زمزمه‌ای می‌شنیدم. پیاده که شدم یک جمع چندنفره را دیدم که توی تاریکی نزدیک ورودی ایستاده‌اند. از کنارشان که رد می‌شدم یک آقای میان‌سال عینکی گفت «ببخشید... از اهالی همین ساختمونین؟» گفتم «مهمان آقای سلیمی‌ام... طبقه پنجم» آن چندنفر دیگر هم به او ملحق شدند و هرکدام چیزی گفتند. «آقا تو رو خدا بگین صدارو کم کنه... تلفن جواب نمی‌ده» همان مرد عینکی گفت «هرچی در زدم فایده نداشت آقا... شما بگو این موقع شب...» من عذرخواهی کردم و خودم را رساندم به آسانسور و سریع دکمه ۵ را زدم. توی سالن صدای بلند موسیقی می‌آمد. شماره مرتضی را گرفتم. موسیقی قطع شد. تا گفتم «پشت درم» قطع کرد. دوباره صدا بلند شد و بعد از چند ثانیه در باز شد. رفتم تو بوی تندی می‌آمد و صدا چنان بلند بود که می‌دانستم هرچه بگویم قرار نیست بشنود. خودم را رساندم به میز تلویزیون و همانجا خشکم زد. زن روی زمین بود. موهای بلندش توی خون غوطه می‌خورد و ناگهان پاهایم را دیدم که وسط دایره غلیظ خون ایستاده‌ام. صدای موسیقی را نمی‌شنیدم. دستم بی‌اختیار دوشاخه را از برق کشید و یکهو سکوت شد. شانه زن را تکان دادم. جسد برگشت و صورت له‌شده‌اش را دیدم. گفتم «مرتضی! این نسرین نیست؟»

ادامه دارد

کسب و کار با پول‌های کثیف

مردی جوان با همدستی مجرم سابقه‌دار با شگردی تکراری مردم را تلکه می‌کرد

مهدی قرآنی

گزارش

گویا قرار نیست این داستان مجرمانه یک روز و یک جایی تمام شود. انگار همچنان افرادی هستند که با اعتماد بیجا به مجرمان به ظاهر موجه زمینه ارتکاب جرم آن‌ها را بی‌آنکه اطلاعی داشته باشند مهیا می‌کنند. مال باختگانی که فریب چرب زبانی و یا ظاهر این متهمان را خورده و با دست خود، خود را به درون چاه می‌اندازند.

اما همیشه هم نقشه آن گونه که متهمان انتظارش را دارند پیش نمی‌رود و هوشیاری برخی از شهروندان و اقدامات به موقع عوامل قانون دست آن‌ها را رو و این افراد را در بند قانون گرفتار می‌کند. درست همانند پرونده شیادی با ترفند تکراری رسیدساز جعلی که با اقدام به موقع مأموران پلیس فتا نتیجه داد و گردانندگان آن شناسایی و دستگیر شدند.

ماجرای این پرونده اما با شکایت مردی جوان در فهرست پیگیری‌های پلیسی قرار گرفت. شاکی با در دست داشتن مرجوعه قضایی پا به مرکز پلیس فتای استان خراسان رضوی گذاشت و علیه فردی که با فریب او ۴۸ میلیون تومان از وی کلاهبرداری کرده بود، شکایت کرد.

به ظاهر کلاهبرداران اعتماد کردم

مال باخته در برگه اظهاراتش نوشت: «پول لازم بودم برای حفظ آبرویم تصمیم گرفتم تا گوشی تلفن همراهم را بفروشم. در سایت دیوار آگهی آن را انتشار دادم و زمانی نگذشت که مردی جوان با گوشی تلفن همراهم تماس گرفت. بعد از گفت‌وگویی کوتاه نشانی محل قرار را به وی دادم. مشتری فردی موجه بود و ظاهری آراسته داشت که به همراه مردی حدود ۴۵ ساله آمده بود. آن‌ها گوشی را بررسی و پسند کردند. مبلغ گوشی را در آگهی دیوار ۴۸ میلیون تومان زده بودم که آن‌ها بدون هیچ چک و چانه‌ای آن را خریدند. مرد جوانی که با من تماس گرفته بود از طریق گوشی تلفن همراهش مبلغ کامل گوشی تلفن همراهم را واریز و حتی نام و نشانم را هم اعلام کرد و در نهایت رسید واریز را هم نشانم داد. در مقابل اگرچه رسید بانک به صورت مجازی صادر شده بود ولی پیامک واریز وجه به دستم نرسید. خریدار گفت که شبکه‌های خطوط تلفن همراه به مشکل برخورده و احتمالا پیامک با تأخیر به دستم می‌رسد. از سویی چون ظاهرشان موجه بود به همان رسید مجازی اکتفا کردم و گوشی تلفن همراهم را به آن‌ها دادم و ریجستری‌اش را هم به نام مرد جوان انتقال دادم.»

شاکی پرونده در ادامه اظهاراتش نوشت: «تا فردای آن روز منتظر پیامک واریزی بودم اما ارسال نشد که نشد. به بانک رفتم و از حسابم استعلام گرفتم که متوجه شدم حتی یک ریال هم به حسابم انتقال داده نشده است. آنجا بود که فهمیدم چه کلاهی سرم رفته است.» با شکایت این مرد جوان تحقیقات کارشناسان فضای مجازی پلیس فتای استان آغاز شد و مأموران با مهندسی اطلاعات به دست آمده و ردزنی‌های سایبری توانستند رد یکی از متهمان را بزنند. در این میان فردی دیگر که با همین شگرد سرش کلاه گذاشته بودند به پلیس فتای استان مراجعه و علیه دو مرد شکایت کرد.

مشخصات اعلام شده از متهمان با عاملان کلاهبرداری پرونده قبلی برابری داشت از همین رو مشخص شد که آن‌ها همچنان در تدارک اجرای نقشه‌های شوم خود در مشهد هستند.

مجریان قانون در اقدام بعدی خود و با استفاده از سرنخ‌های به دست آمده رد متهم اصلی این پرونده که جوانی ۲۷ ساله بود را در محدوده بولوار پیروزی مشهد زدند و در عملیاتی غافل‌گیرانه او را دستگیر کردند. متهم ابتدا منکر هرگونه جرمی از سوی خود بود که در رویارویی، شکات پرونده او را شناسایی کردند. دست این مرد جوان برای قانون روشده بود بنابراین این فرد دست از انکار واقعیت کشیده و به حرف آمد. او در اعترافاتش به افسر رسیدگی کننده پرونده گفت که از یک ماه گذشته با همدستی دایی‌اش نقشه شوم خود را عملی کرده‌اند.

عکس تزئینی است

همراهی دایی در مجرم‌سازی خواهرزاده

رئیس پلیس فتای استان در تشریح دیگر ابعاد این پرونده گفت: همدست متهم که نسبت فامیلی با او دارد از متهمان سابقه‌دار است که به تازگی از زندان آزاد شده و طرح این نقشه مجرمانه را به خواهرزاده خود پیشنهاد داده است. او در عملیات دیگری از سوی مأموران پلیس فتا شناسایی و دستگیر شد.

سرهنگ جواد جهانشیری افزود: این افراد طبق ادعای خود برای راه‌اندازی کسب و کار و تأمین هزینه اولیه دست به این اقدام مجرمانه زده‌اند. متهمان تاکنون به کلاهبرداری از سه شهروند مشهدی به مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان اعتراف کرده‌اند.

این مقام ارشد پلیس فتای استان بیان کرد: متهمان از طریق خرید تقلبی گوشی‌های تلفن همراه گران قیمت با شگرد استفاده از نرم‌افزارهای رسیدساز بانکی، نقشه‌های مجرمانه خود را عملی می‌کرده‌اند. آن‌ها برای اینکه مشخصات مال باختگان را به دست آورده باشند قبل از انجام عملیات به ظاهر بانکی ابتدا گوشی تلفن همراه را ریجستر کرده و نام فرد را از این طریق به دست می‌آوردند. این افراد سپس نام فرد را حین انجام عملیات جعلی بانکی اعلام کرده و از این طریق حس اعتمادی میان خود و فروشنده گوشی تلفن همراه به وجود می‌آوردند.

سرهنگ جهانشیری ادامه داد: در بررسی اظهارات متهمان به دام افتاده مشخص شد که آن‌ها گوشی‌های مال باختگان را از طریق سایت دیوار به فروش رسانده و مبالغ کسب شده را مجدد از طریق این درگاه مجازی لوازم خریداری کرده‌اند. متهمان اکنون با قرار متناسب قضایی راهی زندان شده‌اند و تحقیقات کارشناسان ما برای کشف دیگر جرم‌های احتمالی از این افراد ادامه دارد.

۱۰ کشته در جاده مشهد-میامی

خراسان رضوی؛ دومین استان پرتلفات در سیلاب اخیر

گروه حوادث| هشدارهای مکرر هواشناسی درباره سیل در سراسر کشور هم نتوانست عده‌ای را از ترددهای غیرمجاز در جاده‌ها و تفرجگاه‌ها منصرف کند. دیروز سامانه‌هوایی پربارش موسوم به منسون به خراسان رضوی رسید، هر چند که در مشهد باران زیادی به همراه نداشت اما در شهرستان‌های کلات و قوچان و همچنین جاده سرخس سیل به راه انداخت و هرچه سر راهش بود را با خود برد. متأسفانه عملکرد عجیب راننده یک خودرو وون در جاده مشهد به میامی که با ۱۳ سرنشین خودرواش را درون سیل هدایت کرده بود، موجب شد تا ۱۰ سرنشین این خودرو کشته و مفقود شوند و همین حادثه خراسان رضوی را تبدیل به دومین استان پرتلفات در بارندگی‌های اخیر کند.

با اعلام حادثه برای یک خودرو که حامل اتباع کشور عراق بود، امدادگران هلال احمر بلافاصله خود را به محل حادثه واقع در جاده سرخس حوالی روستای چنارک رساندند. بررسی‌ها نشان داد که این خودرو و سرنشینانش اسیر امواج سهمگین سیلاب شده‌اند و آب این خودرو را با خود برده است.

همان ابتدای کار مشخص شد با کمک شهروندان سه نفر توانسته‌اند خود را نجات دهند اما از سرنوشت دیگر سرنشینان خودرو خبری نبود. امدادگران با انتقال خودرو به خشکی موفق به کشف اجساد هفت مسافر شدند که راننده هم جزو آن‌ها بود. اما از سرنوشت سه نفر دیگر اطلاعی در دست نبود. صبح دیروز با روشن شدن هوا، عملیات جست‌وجوی امدادگران جمعیت هلال احمر خراسان رضوی آغاز شد و آن‌ها موفق به کشف پیکر زنی میان سال شدند که ۱۶ کیلومتر دورتر از محل سیل درون گل و لای گرفتار شده بود. ادامه عملیات به منظور پیدا کردن یک زن و شوهر جوان دیگر همچنان ادامه یافت که سمت عصر جسد زن جوان نیز پیدا شد. ادامه عملیات تا ساعت ۱۹:۲۰ ادامه یافت و در نهایت جسد دهمین کشته این حادثه نیز کشف شد.

بررسی فیلم‌های منتشرشده نشان می‌دهد با وجود بسته شدن جاده مشهد-سرخس و توقف خودروها، راننده وون با این تصور که خودرواش بزرگ‌تر و سنگین‌تر از سایر خودروهاست، درون آب می‌رود و دقایقی بعد این وون درون سیل سقوط می‌کند.

علی صلاحی، فرماندار کلات نیز درباره خسارت سیلاب این شهرستان اعلام کرد: برآورد اولیه از خسارت‌ها تنها در بخش کشاورزی وزراعی دست‌کم ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال است. حدود ۲۵ دستگاه خودرو سواری دچار آسیب یا آب‌بردگی شده و حدود ۳۰۰ رأس گوسفند نیز تلف شده‌اند.

مرکز اطلاع‌رسانی سازمان مدیریت بحران کشور نیز به ایسنا اعلام کرد: برابر آخرین آمارها در پی وقوع سیلاب در کشور دست‌کم ۶۹ نفر جان خود را از دست داده، ۴۵ نفر مفقود و ۴۱ نفر مصدوم شده‌اند که این افراد به مراکز درمانی انتقال یافته‌اند و پس از استان تهران، خراسان رضوی بیشترین فوتی را به خود اختصاص داده است.

مرگ ۷۳ خراسانی در حوادث ۳ ماه اول امسال

خبر

محدثه شوشتری| حادثه خبر نمی‌کند آن هم در جایی که اصول ایمنی به فراموشی سپرده می‌شوند و یا اتفاقی غیرمنتظره به از دست رفتن جان ختم می‌شود. مرگ ۷۳ نفر در خراسان رضوی فقط در سه ماه ابتدای امسال از جنس همین حوادثی بوده که غیرمنتظره و یا بر اثر غفلت از ایمنی رقم خورده است.

مدیرکل پزشکی قانونی خراسان رضوی در توضیح جزئیات این خبر گفت: مرگ این ۷۳ نفر در حوادث ناشی از سوختگی، گازگرفتگی، برق گرفتگی و غرق شدن بوده است. به گفته سید آریا حجازی، ۴۰ نفر از این فوتی‌های حوادث، ناشی از سوختگی شدید بوده‌اند که تیم پزشکی قانونی مرگ آنان را بررسی و تأیید کرده است. متأسفانه از بین این ۴۰ نفر فوتی سوختگی، بیشتر زنان دچار حادثه شده‌اند. به طوری که ۲۴ فوتی سوختگی استان در سه ماه ابتدای امسال زنان و ۱۶ نفر مردان بوده‌اند.

مدیرکل پزشکی قانونی خراسان رضوی، غرق‌شدگی را حادثه دیگری اعلام کرد که در سه ماه امسال، ۱۳ نفر بر اثر آن جان باخته‌اند. همچنین به گفته حجازی، مرگ ۱۲ نفر با گازگرفتگی و ۸ نفر بر اثر برق گرفتگی در مدت یاد شده در پزشکی قانونی تأیید شده است.

مصدومیت تعمیرکار ترن‌هوایی در شهربازی

خبر

ابوعطا| مرد جوان در پی وجود اشکالات فنی در دستگاه ترن هوایی یکی از شهربازی‌های شمال شهر مشهد برای تعمیر به محل رفته و اقدامات خود به منظور رفع نقص در این دستگاه را آغاز کرده بود تا جان هیچ شهروندی هنگام بازی و نشاط در این شهربازی به خطر نیفتد، اما او غافل بود که ساعتی بعد خودش دچار حادثه می‌شود. ساعتی از آغاز عملیات تعمیر ترن هوایی نگذشته بود که کارکنان حاضر در شهربازی متوجه فریادهای مردی جوان شدند. با حضور افراد در محل مشخص شد که او خودش دچار حادثه شده و هر لحظه ممکن است از بلندی سقوط کند. شاهدان وقتی دیدند هیچ کاری از دستشان برنمی‌آید موضوع را به سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی مشهد اعلام کردند. با حضور امدادگران در محوطه این شهربازی، عملیات امداد و نجات آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که فرد تعمیرکار هنگام تردد روی ترن هوایی لابه‌لای دستگاه گیر کرده و مجروح شده است. آتش‌نشانان با انجام اقدامات پیشگیرانه به منظور جلوگیری از سقوط احتمالی این فرد که در بین زمین و آسمان معلق مانده بود، با استفاده از تجهیزات نجات خود را به او رساندند و پس از انجام اقدامات فنی توانستند او را نجات دهند به گفته مهدی رضایی، معاون عملیات آتش‌نشانی مشهد، امدادگران با استفاده از بسکت نجات مصدوم را به سطح زمین منتقل کردند و تحویل تکنیسین‌های اورژانس دادند.

پاسخ جدول ۳۵۳۴
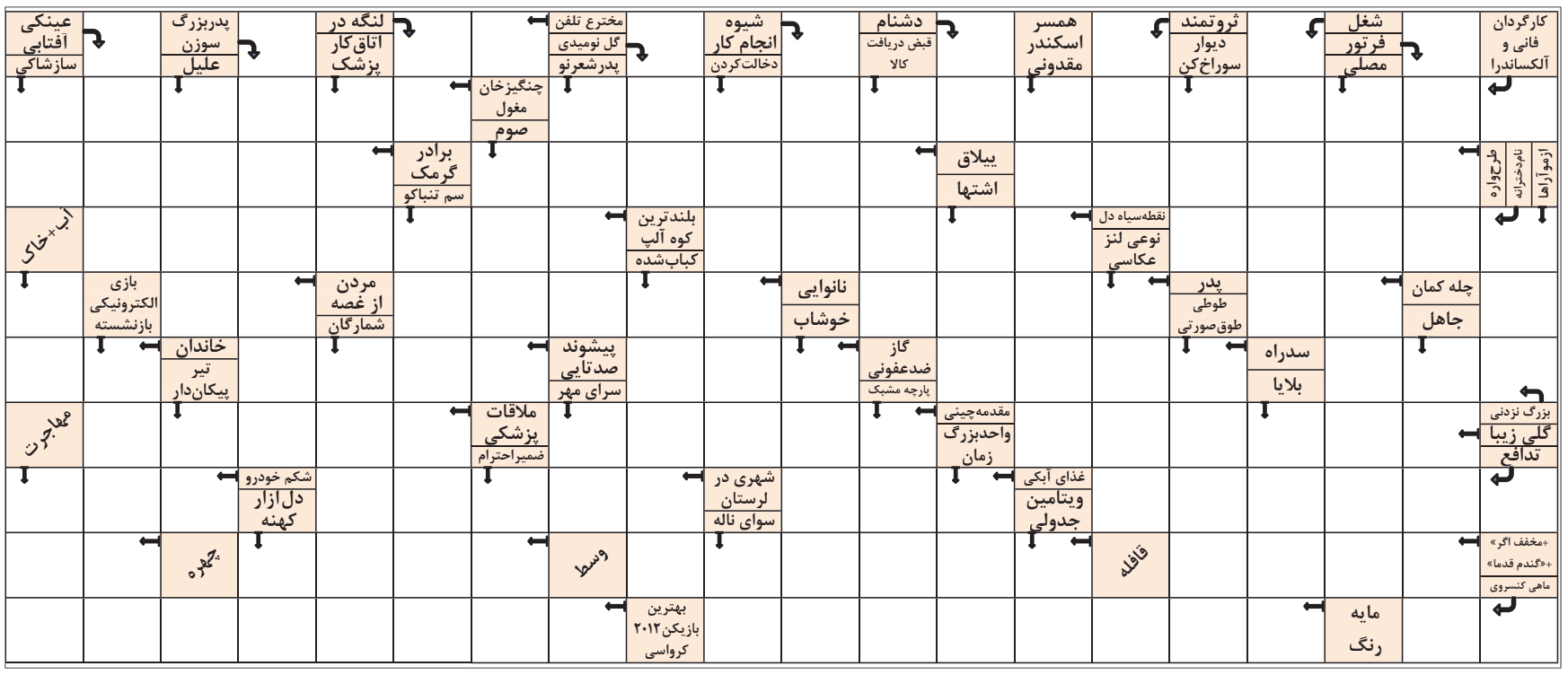
جدول ۳۵۳۵